



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مقصد اول - اوامر

تاریخ: ۲۵/ بهمن/ ۱۳۹۴

موضوع جزئی: فور و تراخی_ ادله قائلین به فوریت: بررسی دلیل دوم (آیات)

مصادف با: ۵ جمادی الاولی ۱۴۳۷

سال هفتم

جلسه: ۶۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در استدلال به آیات برای اثبات دلالت صیغه امر بر فوریت بود تا اینجا چند اشکال نسبت به دلیل دوم بر اثبات فوریت بیان شد. اشکالات دیگری هم مطرح شده است.

اشکال چهارم

آیه «و سارعوا الی مغفرة من ربکم» دلالت بر عموم ندارد. زیرا مستدل در مقام استدلال به آیه گفت: «مغفرة» نکره است و نکره افاده عموم می کند. «سارعوا الی مغفرة» هر چند تفسیر به «سارعوا الی سبب مغفرة» شد ولی چون برای مغفرت یک معنای عامی در نظر گرفته شد، گفتند: شامل اطاعت اوامر الهی نیز می گردد و با این بیان آیه را مرتبط کردند به مسئله فوریت در باب امر. اما وقتی رجوع به اقوال مفسرین می کنیم می بینیم هیچ یک از مفسرین در ذیل این آیه عموم را استفاده نکرده اند. برخی از مفسرین مغفرت را به معنای نمازهای یومیه دانستند مثل تفسیر نور الثقلین که روایتی ذکر کرده و بر اساس آن روایت مقصود از مغفرت من ربکم را نمازهای یومیه دانسته^۱. بعضی مغفرت را به معنای تکبیری دانستند که مأموم در نماز جماعت به عنوان شروع اقتدا به امام می گوید؛ لذا آیه وقتی می گوید: «و سارعوا الی مغفرة من ربکم» در واقع دستور می دهد به سرعت در تکبیر گرفتن در نماز جماعت برای اقتدا و این که منتظر چیزی نماند. بعضی مغفرت را به نماز جماعت تفسیر کردند یعنی طبق آیه می گویند: خداوند متعال دستور می دهد به سرعت گرفتن برای حضور در نماز جماعت و صف اول جماعت. در بعضی از تفاسیر مغفرت را به جهاد فی سبیل الله و در برخی به اخلاص و همچنین در بعضی از تفاسیر آن را به توبه تفسیر کردند. لذا در هیچ یک از این مواردی که بیان شده معنای عموم استفاده نمی شود. این خود نشان دهنده این است که نمی توانیم آیه را حمل کنیم بر سرعت گرفتن در اتیان به اوامر خداوند. استدلال فقط در صورتی ممکن است که آیه دلالت بر عموم داشته باشد ولی هیچ یک از مفسرین این معنی را استفاده نکردند. و لذا همین که اختلاف بین مفسرین باشد برای استدلال مشکل ایجاد می کند.

اشکال پنجم

بر فرض آیات «و سارعوا الی مغفرة» و «فاستبقوا الخیرات» دلالت بر عموم داشته باشند ولی چنان چه به این معنا استناد شود نتیجه ای مترتب می شود که مستدل نمی تواند به آن ملتزم شود و، زیرا آیه شریفه «سارعوا الی مغفرة من ربکم» می گوید

^۱ تفسیر نور الثقلین ج ۱ ص ۲۸۹

سرعت بگیرید به اوامر و اطاعت خدا همچنین در آیه شریفه «فاستبقوا الخیرات» که دستور به سبقت گرفتن در خیرات داده شده است.

حال اگر خیرات معنای عامی داشته باشد شامل همه مصادیق خیر است و از واضح ترین خیرات مستحبات می باشند؛ اگر واجبات مصداق خیر باشند مستحبات نیز مصداق خیر هستند. پس باید قبول کنیم این آیه دستور می دهد به وجوب سبقت در مستحبات در کنار واجبات. حال آیا می توانیم بگوییم سرعت گرفتن در مستحبات واجب است در حالی که خود مستحب واجب نیست؟ به عبارت دیگر: اینکه یک عملی خودش الزامی نباشد، اما سرعت گرفتن و فوریت نسبت به آن عمل الزامی باشد قابل قبول نیست چطور می توان قبول نمود که در عمل غیر واجب سبقت گرفتن واجب است. پس اگر آیه شریفه معنای عموم داشته باشد باید قبول کنیم که شامل مستحبات نیز می شود، در حالیکه نسبت به مستحبات جای اشکال دارد.

همینطور در مورد «سارعوا الی مغفرة من ربکم»، مغفرت طبق نظر مستدل تفسیر شده به سبب المغفرة و من اسباب المغفرة اتیان به اوامر و نواهی الهی است. واجبات امر دارند مستحبات هم امر دارند، لکن امر در واجبات الزامی است اما در مستحبات الزامی نیست. اگر ما بگوییم: مغفرت یک معنای عامی دارد و باید به سرعت به سوی سبب مغفرت برویم پس در واقع آیه دستور می دهد، هم واجبات و هم مستحبات را به فوریت انجام دهیم «و هذا مما لا یمكن التزم به» یعنی نمی توانیم ملتزم شویم چیزی که خودش الزامی نیست ولی فوریت در انجام آن الزامی باشد.

ان قلت: می توانیم بگوییم: «و سارعوا الی مغفرة من ربکم» نسبت به مستحبات تخصیص می خورد یعنی کأنه گفته: «و سارعوا الی مغفرة من ربکم الا فی المستحبات» در مستحبات سرعت لازم نیست یا در آیه شریفه «فاستبقوا الخیرات» مستحبات تخصیص می خورند یعنی کأنه گفته شده: «فاستبقوا الخیرات الا فی المستحبات» اگر کسی قائل به تخصیص این دو آیه به مستحبات شود چه اشکالی دارد؟

قلت: این نیز قابل قبول نیست. زیرا اگر قرار به تخصیص باشد باید اکثر موارد تخصیص بخورد و تخصیص اکثر مستهجن است. زیرا اگر واجبات را با مستحبات مقایسه کنیم و بگوییم: سرعت گرفتن در واجبات لازم است اما نسبت به مستحبات جریان ندارد؛ چون موارد مستحب خیلی بیشتر از واجب است باعث تخصیص اکثر می شود لذا باید بگوییم این دو آیه مخصص می باشند به اکثر موارد و اکثر موارد خارج می شوند.

به علاوه از لسان این آیات فهمیده می شود که اصلاً مسئله تخصیص در کار نیست و به اصطلاح فنی، لسان این روایات ابناء از تخصیص دارد «و سارعوا الی مغفرة من ربکم» ابا دارد از اینکه تخصیص بخورد و ظاهرش این است که یک دستور کلی است. لذا در مجموع به نظر می رسد این آیات نمی توانند مورد استناد قرار بگیرند.

«الحمد لله رب العالمین»